



ب انقلاب

ایدئولوژی

آغاز می‌گردد، با دیگر انقلاب‌های مشهور دنیا ادامه پیدا می‌کند و به انقلاب اسلامی ایران منتهی می‌شود.

واژه انقلاب (Revolution) به مفهوم جدید آن یعنی قیام و طغیان مردم با آرمان‌ها و اهداف خاص خود برای سرنگونی یک حکومت، برای نخستین بار در تاریخ، شب چهاردهم ژوئیه ۱۷۸۹ به کار رفت. هنگامی که لویی شانزدهم خبر سقوط باستیل، رهایی چند زندانی و فرار لشکریان سلطنتی را در برابر هجوم مردم، از لیانکور شنید، فریاد زد: «ولی این طغیان است» و لیانکور سخن او را تصحیح کرده، می‌گوید:

مصادیق تحولات و دگرگونی‌های سیاسی و اجتماعی در تاریخ ملل مختلف به وفور یافت می‌شود و شواهد گوناگونی از آن در کشورها و جوامع بشری وجود داشته است. علیرغم این موضوع، انقلاب را یک پدیده متعلق به عصر مدرن می‌دانند و قرن نوزدهم میلادی را که هم‌زمان با پیدایش سرمایه‌داری تجاری و سپس سرمایه‌داری صنعتی و جنبش‌های کارگری است، عصر انقلاب نامیده و مفهوم جدید انقلاب را از این تاریخ به بعد تعریف می‌کنند. عصر جدید یعنی دورانی که بعضی دولت‌ها توسط انقلاب‌ها سرنگون شده، با انقلاب کبیر فرانسه

انقلاب حاصل نمی‌شود. این نقطه ضعف به خوبی در روش تحلیل غربی که همراه با نگاه از بیرون است، مشاهده می‌گردد. زیرا، در غرب دین مقوله‌ای فردی و دارای احکام عبادی است که در نهایت، مفاهیم اخلاقی را بیان می‌کند، در حالی که اسلام مبین حقوق اجتماعی، مدنی، قضایی و جزایی است که مفاهیمی مانند مساوات، عدالت و آزادی را در خود دارد و در عین حال حاوی احکام فردی، اجتماعی و حکومتی است.

نکته مهم دیگر در این زمینه، نگرش ابزار گونه به دین است که آن را وسیله‌ای برای تهییج توده‌ها می‌پندارد و نقش دیگری برای آن قایل نیست، در حالی که انقلاب ایران با پیوند عمیق با اسلام، آن را به عنوان ایدئولوژی انقلاب و مکتب راهنمای عمل انتخاب نمود. در این شرایط احساسات و تفکر دینی به مثابه یک ایدئولوژی هدفمند و برنامه دار راهنمای عمل گردید و مقدمات پدید آمدن یک انقلاب ایدئولوژیک را فراهم نمود. این ایدئولوژی که همان دین مبین اسلام بود نه به عنوان وسیله‌ای در خدمت نیل به اهداف مبارزه بلکه به منزله طرح واره‌ای برای انقلاب و اداره جامعه مطرح گردید.

هنر رهبری انقلاب در به کارگیری ایدئولوژی اسلامی موضوع دیگری است که باید مورد توجه قرار گیرد. زیرا، برداشت جدید از اسلام توسط رهبری این ظرفیت را به اسلام هدیه کرد تا به عنوان تئوری انقلاب، راهنمای عمل قرار گیرد. این پدیده که در گذشته و در طول حیات اسلام در ایران به وقوع نپیوسته بود توسط امام خمینی (ره) به انجام رسید. برداشت جدید از اسلام با نفی دین همراه نبود بلکه شکل تکامل

«نه اعلیحضرتا این انقلاب است» و منظور وی این بود که در برابر شاه که تسخیر باستیل را طغیان تلقی کرده است و قدرت خویش را اعلام می‌کند، بگوید آنچه حادث شده غیر قابل برگشت، ایستادگی ناپذیر و خارج از حیطه قدرت یک پادشاه است (۱).

انقلاب دارای نشانه‌ها و ویژگی‌هایی است که مهم‌ترین آن‌ها را می‌توان به شرح زیر مورد اشاره قرار داد:

- ۱- بسیج
- ۲- مردمی بودن
- ۳- سازمان یافتگی
- ۴- داشتن ایدئولوژی که سیمایی از آینده موعود و وضع مطلوب را بیان می‌کند.
- ۵- رهبری کارزماتیک
- ۶- انهدام
- ۷- سرنگونی نظام سیاسی حاکم
- ۸- استقرار نظام جدید بر مبنای ایدئولوژی انقلاب (۲).

اکثر نشانه‌ها و ویژگی‌های فوق در انقلاب‌های بزرگی که در دو قرن گذشته به وقوع پیوسته است، وجود دارد و به خوبی قابل رویت می‌باشد اما ویژگی و خصوصیتی که عامل تشخیص ماهیت انقلاب است مربوط به ایدئولوژی و رهبری انقلاب می‌باشد. لذا از این منظر، انقلاب ایران که دارای ایدئولوژی اسلامی و رهبری یک مرجع تقلید است یک انقلاب اسلامی است.

درک هویت اسلامی انقلاب ایران لازمه دستیابی به شناختی دقیق و همه جانبه از آن است و بدون فهم این موضوع شناخت علمی از

یافته یا خالص شده آن را جلوه‌گر ساخت و به همین دلیل توانست بین برداشت جدید و گذشته تاریخی دین در ایران پیوند و همسازی به وجود آورد و از ایجاد حساسیت‌های دینی سنتی جلوگیری نماید.

برداشت جدید از اسلام که توسط رهبرانقلاب انجام پذیرفت و انقلاب را به پیروزی رساند ریشه در ویژگی مهمی از اسلام شیعی دارد که آن باب اجتهاد می‌باشد. این ویژگی رمز ماندگاری و پویایی اسلام است که توان پاسخ‌گویی به مسایل جدید را به همراه دارد. باب اجتهاد ظرفیت بی‌نهایتی به دین می‌دهد و آن را برای تمام زمان‌ها و مکان‌ها کارا می‌کند. شورای تشخیص مصلحت نظام که در پایان عمر حضرت امام (ره) و با استفاده از تجربه ده سال حکومت وارد قانون اساسی گردید، ناشی از ویژگی فوق و بر مبنای اجتهاد مجتهد حاضر پایه‌ریزی شد. وظیفه اصلی این شورا پاسخ‌گویی به مسایل و مشکلات جدید حکومتی با توجه به مبانی و در نظر گرفتن نیازهای روز جامعه و حاکمیت است.

برداشت جدید از اسلام توسط رهبری انقلاب وارد جامعه شد و از مردم عادی انسان‌هایی ایدئولوژیک و انقلابی ساخت. این تحول در جامعه به مرور زمان پیشرفت نمود و زمانی که به نهایت رسید، انقلاب را به پیروزی رساند.

واقعیت این است که افراد عادی بدون ایدئولوژی قادر به مبارزه نیستند در حالی که ایدئولوژی، فردیت را از فرد می‌ستاند و او را تبدیل به یک عنصر انقلابی می‌کند. این عنصر خود را چیزی از یک جنبش بزرگ و تاریخی

می‌بیند که هدفی متعالی و مقدس را دنبال می‌کند. احساس به وجود آمده در فرد روز به روز او را مقاوم‌تر کرده و توان تحمل سختی‌ها و مقاومت در برابر شکست‌ها را افزایش می‌دهد. در این شرایط یک عنصر انقلابی هرچه بیشتر از ایدئولوژی انقلاب دفاع می‌کند، پیوند عاطفی‌اش با آن عمیق‌تر می‌شود و شخصیت تکامل یافته‌تری پیدا می‌کند. او با پیوستن به مبارزه، هویت جدید کسب می‌کند و هر اهانتی به جنبش و یا ایدئولوژی آن را اهانت به خود و شکست یا پیروزی را شکست یا پیروزی خود تلقی می‌کند. لازمه این ویژگی ایمان به برتری ایدئولوژی خویش است. از نظر انسان ایدئولوژیک هیچکس نمی‌تواند بدون هدف زندگی کند و اصولاً زندگی از دیدگاه او چیزی جز داشتن هدف و مبارزه در راه رسیدن به آن نیست. ویژگی منحصر به فرد ایدئولوژی و به ویژه ایدئولوژی دینی نیروزا بودن است که دائماً احساسات و روحیه همبستگی را شعله‌ور می‌سازد. در عین حال، تکیه‌گاهی محکم برای فرد است که پاسخ تمام پرسش‌هایش را در آن می‌یابد. انسان ایدئولوژیک از تعلقات و خلق و خوی منفعت‌پرستی دوری می‌جوید و حس دیگرخواهی او تقویت می‌شود. این انسان احساس می‌کند که به مردم تعهدی تاریخی سپرده تا برای خوشبختی آن‌ها و فرزندان‌شان مبارزه کند. یک انقلابی به یاری ایدئولوژی دینی هر گونه فقر و محرومیت را تحمل می‌کند و آن را آزمونی الهی به شمار می‌آورد که باید از آن سرافراز بیرون آید. این ویژگی‌ها باعث می‌شود یک فرد ایدئولوژیک ایثار را به جایی برساند که

مردم شد، انقلاب پدیدار می‌گردد و عمومیت پیدا می‌کند و رژیم حاکم را که به سادگی قابل فروریختن نیست، فرو می‌ریزد. این نکته از مهم‌ترین نکاتی بود که همیشه مدنظر امام خمینی (ره) رهبر انقلاب اسلامی ایران قرار داشت و آن را مورد توجه قرار می‌داد. ایشان به استاد شهید مطهری گفته بود مردم ایران همیشه در صحنه هستند و اگر زمانی به کنار می‌روند تقصیر ما روحانیون است که در خانه می‌نشینیم و کاری نمی‌کنیم، اگر ما فعال باشیم آنان همیشه ما را یاری خواهند داد.

از آنجا که علل موجد انقلاب علل مبقیه آن نیز هست، برداشت‌های مطابق با نیاز روز جامعه از اسلام و توجه به آرا و خواسته‌های مردم و پیگیری شعارهای اصلی انقلاب از ضروریات قطعی و حتمی می‌باشد.

دکتر سید محمد صدر

به راحتی به آغوش مرگ برود و بدون کوچک‌ترین تردید در این راه، شهادت را که عالی‌ترین درجه تکامل می‌داند، انتخاب کند. آخرین کلام در این زمینه این که فرد ایدئولوژیک دارای منطق هزینه و فایده نیست بلکه منطق او هدفداری و ایثار می‌باشد.

اهمیت ایدئولوژی و انتخاب آن به عنوان راهنمای عمل انقلاب که توسط امام خمینی (ره) انجام پذیرفت، عامل اصلی پیروزی انقلاب اسلامی ایران بود. زیرا، از این طریق مردم به انقلاب پیوستند و تا مرز شکست رژیم سلطنتی و پیروزی آن را همراهی کردند. پدیده‌ای که اگر اتفاق نیفتاده بود، انقلاب پیروز نمی‌شد و داستان شکست پانزده خرداد چهل و دو تکرار می‌گردید. واقعیت این است که در جامعه شناسی مردمی، توده‌ها همیشه انقلابی نیستند و زندگی ایدئولوژیک ندارند. زیرا، قید و بند و رعایت چارچوب‌ها به طور دایم برای آن‌ها ممکن نیست و به همین دلیل تنگناها و ستم‌ها در شرایط عادی آن‌ها را به مقاومت و انمی دارد اما وقتی ایدئولوژی توسط رهبری انقلاب به میان توده‌ها رفت و با جاذبه‌هایش جامعه و به ویژه جوانان را تحت تاثیر قرار داد و نماد آمل و خواسته‌های

منابع

۱. باقی ع. تولد یک انقلاب. چاپ دوم. تهران: شابک؛ ۱۳۸۳: ۲۱-۲۰
۲. همان، ص ۲۴

